



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

چهل سال جمهوری اسلامی: چهل سال مردم-

سالاری دینی

پژوهش
تجزیه
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

دوازدهم فروردین ۱۳۹۸ جشن چهلمین سال جمهوری اسلامی است که امام راحل آنرا بزرگترین ثمره انقلاب اسلامی نامیدند

مردمسالاری دینی به منزله الگوی حکومتی جمهوری اسلامی در طول چهل سال گذشته با وجود آنکه حرکتی خلاف جریان های مسلط جهان و در مسیر متفاوت با گفتمان غرب گرا و نیز گفتمان اسلام متحجر به پیروزی رسید در طول چهل سال گذشته در عمل نیز توفیق قابل توجهی یافته است

شاخص های مردمسالاری دینی در مشارکت سیاسی بخصوص انتخابات ، آزادیهای سیاسی بخصوص در عرصه آزادی بیان ومطبوعات و رسانه ها ونیز آزادی حزب و تشکیل نهادهای سیاسی ، باز بودن عرصه رقابت سیاسی و ظهور و نوسان گفتمانهای سیاسی مختلف نشانه درصد بالای عینیت و تحقق مردمسالاری دینی است و این همه با حرکت در مسیر دین ؛ بر هویت مستقل این نظام تاکید و تشخیصی بیشتر می بخشد

■ مقدمه

ایران اسلامی در دوازدهم فروردین ۱۳۹۸ چهل ساله شدن جمهوری اسلامی را جشن می گیرد. تقارن روز جمهوری اسلامی با ایام مبعث حضرت رسول اعظم صلوات الله علیه بسیار الهام بخش و مبارک است چرا که انقلاب اسلامی نیز همچون ظهور اسلام بعثتی جدید در عصر حاضر است و جمهوری اسلامی به منزله بزرگترین ثمره انقلاب اسلامی کوشیده است که سیاست و حکومت نبوی و علوی را در عصر حاضر دنبال کند و با وجود همه دشواری ها و مشکلات، هویت دینی خود را نگه دارد. واقعیت آن است که جمهوری اسلامی حرکتی خلاف جریان مسلط و حاکم در جهان دو قطبی دهه ۱۹۷۰ که متأثر از سلطه تفکر لیبرالی و مارکسیستی بود سخن نو و راهکاری بدیعی در اداره کشور بر پایه آموزه های دینی به حساب می آید.

انقلاب اسلامی ایران، همانند انقلاب فرانسه تنها برای کسب آزادی یا مثل انقلاب اکتبر روسیه یک انقلاب دهقانی- کاری نبود، بلکه در انقلاب اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی و تعالیم مکتب تشیع، تحول اساسی در زندگی مردم در راستای اهداف انسانی جستجو می شد. کوتاه سخن اینکه انقلاب ایران نه تنها در ریشه ها بلکه در اهداف و پایبندی به آرمان ها نیز انقلابی منحصر به فرد به شمار می آید؛ انقلابی با ویژگی هایی همچون: اسلام خواهی -

نفوذ و قدرت معنوی رهبر - وحدت و همبستگی تمام اقشار ملت - ارتباط بین دین و سیاست - روحیه ایثار و شهادت طلبی مردم - استقلال طلبی - آزادی خواهی - سازش ناپذیری - عدم وابستگی به شرق و غرب - حفظ اصول انقلاب حتی در شرایط دشوار - رسیدن به پیروزی با کمترین خسارت و خونریزی - تلاش برای خودکفایی اقتصادی - پایگاه مردمی - اهداف انسانی و معنوی در کنار اهداف مادی و اقتصادی.

جمهوری اسلامی تنها نظامی برخاسته از انقلاب است که در میان انقلاب‌های عصر حاضر تنها ۵۰ روز پس از پیروزی، با رأی ملت ایران قانونی و تاسیس شد و از آن پس انتخابات در ایران، بارها تکرار شده است. مردم‌سالاری دینی که الگوی ارائه شده نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی است اگرچه داعیه آن را ندارد که به شکل نهایی خود رسیده اما در مسیری قرار دارد که اسلام چارچوب مردم‌سالاری مردم ایران را تشکیل می‌دهد.

در نوشتار حاضر تحقق عینی چهل سال مردم‌سالاری دینی بر پایه شاخص‌های مختلف سنجیده شده است.

- از این رو هدف پژوهش حاضر معرفی چگونگی تحقق مردم‌سالاری دینی در قامت جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته بر پایه شاخص‌ها و مولفه‌های مردم‌سالاری دینی است.
- روش مورد استفاده در این تحقیق اسنادی است. مراحل پژوهش اسنادی عبارتند از ۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سوالات، ۲. بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش، ۳. انتخاب رویکرد نظری، ۴. گردآوری منابع، نمونه‌گیری و تکنیک‌های بررسی منابع؛ مرور نظام مند؛ طبقه بندی و جداول مفهومی، ۵. پردازش ارزیابی مجدد، نگارش و گزارش (جمع بندی و ارائه نقطه نظر).^۱

■ مدل مفهومی مردم‌سالاری دینی

نظریه مردم‌سالاری دینی که بر آمده از منظومه فکری رهبران جمهوری اسلامی است؛ در صدد ایجاد نسبتی درخور میان مردم‌سالاری و دین است. در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی یعنی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای دین و سیاست پیوندی ناگسستنی دارد و مردم‌سالاری برخاسته از دین است. از آنجا که حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداست و از آنجا که مردم دین را به منزله چارچوب دموکراسی خود انتخاب کرده اند پیوند میان اسلام و دموکراسی عینیت می‌یابد. رهبران جمهوری اسلامی به کرامت انسانی باوردارند و در تحقق مردم‌سالاری به مشارکت مردم اعم از زن و مرد اعتقاد دارند شرکت در انتخابات و مشارکت سیاسی هم حق و هم تکلیف است و از این نظر می‌توان گفت انتخابات جایگاه کلیدی در عملی شدن مردم‌سالاری پیدا می‌کند. هم مقامات انتخابی و هم نهادهای شورایی منتخب ملت، اداره کشور را برعهده دارند. گذشته از انتخابات و شورا تفکیک قوا، پذیرش نقش احزاب، نظارت بر قدرت سیاسی و پذیرش حقوق اقلیت‌ها از دیگر مولفه های نظام مردم‌سالاری در اندیشه

^۱ - صادقی فسایی سهیلا؛ عرفان منش ایمان (۱۳۹۴) مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، راهبرد فرهنگ،

رهبران جمهوری اسلامی است. می‌توان گفت حتی ولی فقیه هم که در اندیشه شیعه در دوره غیبت امام معصوم ولایت امر را بر عهده دارد با رای شورای منتخب ملت یعنی مجلس خبرگان (که آنان نیز برگزیده ملت هستند) امکان حکومت پیدا می‌کند. بدین ترتیب در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی مبانی و مولفه‌ها و ارکان اسلامیت و دموکراسی با هم پیوند یافته‌اند.

در ابعاد صوری و شکلی، دموکراسی در وجود نهادهایی مانند انتخابات، چرخش نخبگان، رشد شاخص‌ها و حقوق بشری و تعیین‌کنندگی قدرت سیاسی از سوی مردم تجلی می‌یابد لذا می‌توان شاخص‌های مردمسالاری دینی را در مشارکت سیاسی مردم و به‌خصوص باز بودن عرصه مشارکت زنان؛ وجود رقابت سیاسی، تامین آزادی‌ها، برابری و عدالت در میان شهروندان، تفکیک قوا، چرخش نخبگان و جابجایی قدرت در نظر گرفت. وجه دینی بودن مردم سالاری دینی را نیز در دینی بودن اهداف و ساختارها و قواعد زندگی سیاسی؛ اسلامی بودن قوانین، التزام و تعهد نسبت به مسلمانان و توجه به ارزش‌ها و احکام و آموزه‌های اسلامی می‌توان تلقی نمود.



■ اسلامیت و جمهوریت

نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های سیاسی جهان از ویژگی‌هایی برخوردار است؛ از نظر ماهیت نظام سیاسی تنها نظامی است که صراحتاً عنوان اسلامی و حاکمیت یک دین را در خود دارد و این ویژگی این نظام را از دیگر نظام‌های جمهوری متمایز می‌سازد؛ از این‌رو این نظام نوعی مردم‌سالاری دینی است که با مردم-سالاری سکولار یا جمهوری‌های اقتدارگرا در نظام‌های میلیتاریستی و توتالیتر متفاوت است. نوع جمهوری اسلامی از نظر ساختار نیمه ریاستی نیمه پارلمانی است و از نظر تمرکز برخلاف نظام‌های فدرالی نظامی تک‌بافت دارد. در آخرین اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۳۶۸-۱۹۸۹) اقتدار رئیس‌جمهور افزایش یافت و از این حیث به نظام‌های ریاستی شباهت بیشتری پیدا کرد اما از آن‌رو که پارلمان چه در رأی اعتماد به وزیران کابینه و چه حق استیضاح و برکناری آنان و چه تصویب لوایح و طرح‌ها بر قوه مجریه حاکمیت دارد به نظام‌های پارلمانی شباهت پیدا می‌کند. پارلمان جمهوری اسلامی یک مجلسی است که دو نهاد بالادستی یکی شورای نگهبان و دیگری مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کنار خود دارد. شورای نگهبان در نظارت و تشخیص انطباق یا عدم انطباق مصوبات مجلس (و نه تصمیمات) بر مصوبات مجلس بر آن نظارت دارد و بر اساس قانون اساسی بدون شورای نگهبان مجلس رسمیت ندارد و دیگری مجمع تشخیص مصلحت نظام است که نهادی است که داور نهایی در صورت اختلاف نظر میان مجلس و شورای نگهبان است. بدین معنا که حتی در صورتی که شورای نگهبان مصوبات مجلس را مطابق شرع یا قانون اساسی ندانست اما مجلس بنا به ملاحظات خاص و مصلحت عمومی بر مصوبه خود اصرار کند آن مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام که اعضاء آن را رهبر انقلاب تعیین می‌کند فرستاده می‌شود. گذشته از ریاست جمهوری و پارلمان که نهادهای انتخابی در جمهوری اسلامی هستند شخص رهبر انقلاب که براساس قانون اساسی ولایت امر و امامت است را داراست و اختیارات گسترده‌ای براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی دارد و بر قوای سه گانه نظارت کامل (اصل ۵۷) را اعمال می‌کند نیز به صورت غیرمستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شوند. بدین ترتیب که مردم نمایندگان مجلس خبرگان را انتخاب می‌کنند و آنان رهبری را بر می‌گزینند. لذا نمایندگان مجلس خبرگان به صورت مستقیم برگزیده مردم هستند و رهبر انقلاب به صورت غیرمستقیم. علاوه بر این شوراهای شهر و روستا نیز برگزیده مردم هستند؛ نهادهایی که به منظور پیشبرد امور اداره شهرها و روستاها تأسیس شده و حق انتخاب شهرداران و دهیاران را دارند. بدین ترتیب می‌توان گفت رأی مردم از قاعده تا رأس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کننده است.

■ انتخابات دال مرکزی گفتمان مردم‌سالاری دینی

نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس اصل ششم قانون اساسی اداره امور کشور را به اتکای آرای عمومی و از راه انتخابات تعیین کرده است همه نهادهای سیاسی در ایران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق رای مردمی تعیین می‌شوند از شوراهای شهر و روستا گرفته تا مجلس شورای اسلامی و نیز انتخاب رئیس‌جمهور که با

اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ رئیس دولت و شخص دوم کشور است و نیز نمایندگان مجلس خبرگان که وظیفه انتخاب مقام رهبری را بر عهده دارند با رای مردم انتخاب می‌شوند. با وجود آنکه چنین عرصه‌های رجوع به آرای مردمی حداقل در منطقه غرب آسیا کم نظیر است اما رسانه‌های خارجی وابسته به دشمنان ملت ایران این ویژگی جمهوری اسلامی را انکار کرده و با دستاویز قرار دادن برخی پرونده‌های حقوقی در صدد القای اتهام نقض حقوق بشر به نظام بر می‌آیند.

نگاهی به تجربه ۴۰ ساله جمهوری اسلامی می‌توان به تعیین کنندگی رای ملت در تعیین سرنوشت قوای اداره کننده کشور اذعان کرد؛ قابل پیش بینی نبودن بسیاری از انتخابات و رای آوری افراد یا جریان‌هایی که پیروزی آنان در انتخابات غیرمنتظره می‌نموده است، گواه روشنی بر سلامت و تعیین کنندگی رای ملت در انتخابات ادوار مختلف به حساب می‌آید.

در هر حال با همه مشکلاتی که در سازوکار تحزب در ایران وجود دارد انتخابات مهمترین نماد مردم‌سالاری دینی در ایران است که در سخت‌ترین شرایط جنگی نیز ادامه یافته است. مقایسه نظام انتخابات و تحزب در ایران اگرچه فاصله معناداری را با دموکراسی‌های چندصد ساله نشان می‌دهد اما حاوی جنبه‌های قوی از دموکراسی دینی است. بسیاری تحلیل‌گران شاید به عمد فراموش می‌کنند که انتخابات و مردم‌سالاری حاکم بر جمهوری اسلامی را با نظام سلطنت مطلقه پهلوی و یا حتی برخی نظام‌های مرتجع غرب آسیا مقایسه کنند. نگاهی به تحولات منطقه غرب آسیا در سالیان اخیر این واقعیت را به ثبوت می‌رساند.

■ نظام انتخاباتی و احزاب

نظام انتخاباتی در ایران درباره پارلمان نظام اکثریتی است و سیستم تناسبی و توزیع کرسی‌های انتخاباتی براساس آراء احزاب در آن جایی ندارد البته سهمیه‌بندی نماینده‌ها براساس حوزه‌های انتخابیه به صورت متمرکز صورت می‌گیرد و به شهرها و نه استان‌ها سهمیه‌ای متناسب با جمعیت و ویژگی‌های مختلف جغرافیایی طبیعی و ... کرسی‌های پارلمانی تعلق می‌گیرد اما هیچ ارتباط حقوقی میان نظام انتخاباتی و احزاب در ایران وجود ندارد. البته به تازگی با ارائه طرح استانی شدن انتخابات مجلس از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی که البته هنوز به تایید نهایی شورای نگهبان نرسیده ایده استانی - شهرستانی کردن حوزه انتخابات مجلس و رسمیت بخشیدن به نقش احزاب در انتخابات وارد مرحله تازه‌ای شده است.

احزاب و جمعیت‌ها بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فعالیت خود آزادند مشروط به اینکه استقلال و تمامیت ارضی و امنیت را مخدوش نکنند و در اجتماعات خود سلاح به دست نگیرند. با این قیود فعالیت احزاب و جمعیت‌ها آزاد است. در قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ نیز فعالیت رسمی احزاب به اخذ پروانه فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ این قانون که نمایندگانی از سه قوه در آن عضویت دارند منوط شده است.

در صحنه عمل و کیفیت سیاسی اجرای انتخابات در همه مقاطع احزاب و گروه‌های سیاسی در صورت رعایت شرایط مصرح در اصل ۲۶ و اصل نهم قانون اساسی مجاز به فعالیت بوده‌اند و اساساً فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی یکی از علل رقابتی و جدی‌تر شدن انتخابات ادوار مختلف در جمهوری اسلامی بوده است. لذا اگرچه میزان دخالت احزاب در انتخابات، رقابتی بودن انتخابات آزاد و منصفانه بودن آن در مقاطع مختلف نوسان داشته است اما می‌توان گفت فعالیت احزاب در صورت رعایت شروط مذکور در اصل ۲۶ در ایران آزاد است و در مقاطع مختلف آزادی احزاب شور و نشاط انتخاباتی، افزایش مشارکت مردمی، کیفی‌تر شدن فرایند انتخاب به سمت نخبه‌گرایی و ارتقای استانداردهای انتخاباتی را مدنظر داشته است.

احزاب سیاسی ملازم با مردم‌سالاری، حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی بوده و می‌توانند وضعیت حزب را در کشورهای در حال توسعه ایجاد کنند. احزاب عمده‌ترین نهاد برای نهادمندی سیاسی در جوامع بوده و با چندین کارکرد مهم در خدمت نظام سیاسی هستند. از یک‌سو به تضادهای موجود در جامعه مشروعیت می‌بخشند و جایگاه آن‌ها را در مناقشه عمومی مشخص می‌کنند و از سوی دیگر از طریق کاهش تضادها و دفع آن‌ها به ثبات سیاسی کمک می‌کنند و با کارویژه جامعه‌پذیری، مشارکت سیاسی نهادینه را در جامعه گسترش می‌دهند. از اهداف اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران افزایش مشارکت سیاسی فعال شهروندان از لحاظ کمی و کیفی است که این امر با نهادینه شدن حزب امکان‌پذیر است.

مروری بر انتخابات ادوار مختلف مجلس و ریاست جمهوری در چهل سال گذشته نشان می‌دهد فعالیت احزاب در همه ادوار پررنگ و از این راه رقابت سیاسی جدی بوده است؛ به گونه‌ای در این چهل ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات و رای مردم در امور کشور تعیین‌کننده و منشا اثر است. شاهد این مدعا مشخص نبودن نتیجه انتخابات در بسیاری ادوار انتخاباتی قبل از رای‌گیری بوده و در هر بار بسیاری پیش‌بینی‌ها نادرست از آب درآمده است.

از آنجا که احزاب نماینده شکاف‌های سیاسی و نماد سلاقی مختلفند می‌توان در انطباق شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و شکل‌بندی بلوک احزاب در ایران به نتایج زیر رسید:

مهمترین شکاف‌های سیاسی و فرهنگی حاکم بر فعالیت احزاب در چهل سال گذشته می‌توان شکاف دین و دولت شکاف سنت و مدرنیسم شکاف چپ و راست شکاف محافظه‌کار و اصلاح‌طلب و شکاف روحانی و غیرروحانی به حساب آورد. چنانکه در ابتدای پیروزی انقلاب قطب بندی احزاب به مذهبی و غیرمذهبی و به دنبال حذف جریان‌ها و احزاب غیرمذهبی شکاف چپ و راست و سپس انشعاب مدرن‌ها از دل ائتلاف‌های چپ و راست در برابر سنتی‌ها مهمترین بلوک بندی احزاب را شکل داده‌اند اکنون تقریباً این دسته بندی پذیرفته شده است که دو جریان اصلاح طلب و اصولگرا در دل خود به دو طیف سنتی و مدرن تقسیم می‌شوند.

نوع جهت گیری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این جهت خطوط گسل درون این ائتلاف‌ها را روشن می‌سازد. در درون جریان اصول‌گرا تشکل‌هایی سنتی مانند جامعه روحانیت و جامعه مدرسین و حزب مؤتلفه وجود دارند. در طیف نوگرا احزابی چون جامعه مهندسیین یا آبادگران قرار دارند که عمدتاً از دانشگاهیان تشکیل شده‌اند. جامعه انجمن‌های بازار و نیز تشکل‌هایی مانند جامعه زینب و جامعه اسلامی دانشجویان و حزب... از دیگر تشکل‌های اصول‌گرا هستند. در مقابل اصلاح‌طلبان جبهه‌ای ۱۸ تشکلی از تشکل‌های مختلف را شامل می‌شوند در حالی که مجمع روحانیون مبارز طیف سنتی این جریان را تشکیل می‌دهد حزب کارگزاران سازندگی که به دنبال لیبرال دموکراسی است در طیف راست قرار دارد. حزب اعتماد ملی با انشعاب از مجمع روحانیون مبارز مسیر مستقلی بدون آنکه تغییر جهت‌گیری خاصی داشته باشد در حال فعالیت است. در این میان انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها و نیز اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان قرار دارد. در هر حال بر اساس پایگاه اجتماعی احزاب می‌توان گفت تنها تشکل‌های روحانی و دانشجویی و نیز تشکل‌های کارگری و بازاری مشخصاً اقشار خاصی را نمایندگی کرده‌اند حال آنکه دیگر احزاب بدون اینکه داعیه نمایندگی مطالبات قشر یا صنف خاصی را داشته باشند بیشتر طبقات شهری را هدف قرار داده‌اند.

به نظر می‌رسد بر پایه تجربه چهل ساله تحزب در جمهوری اسلامی الگوی مطلوب رفتار نهاد تحزب بر اساس فهم درست از حزب و وضعیت تحزب در ایران با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - اجتماعی می‌تواند در رسیدن به الگوی مناسب رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی به کار آید. تعامل خردمندانه اقلیت و اکثریت، می‌تواند ثبات و استمرار روابط بین گروه‌ها و حرکت‌های سیاسی را تضمین کند.

■ رقابت سیاسی

شناخت مناسبات رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی به منزله دو مولفه مهم نظام‌های مردم‌سالار و از جمله مسائل سیاست و حکومت در عصر مدرن است. رقابت سیاسی را باید پدیده‌ای با کارکردهای متفاوت تعریف کرد که با رعایت شرط اساسی «در چارچوب بودن» می‌تواند باعث تقویت امنیت داخلی و ثبات سیاسی به واسطه‌ی توزیع قدرت میان افراد و گروه‌ها گردد. اگر رقابت سیاسی بر پایه الگوها و رویه‌های قانونمند نباشد، در آن شرایط زمینه شکل‌گیری تنش، بی‌ثباتی و خشونت سیاسی فراهم می‌گردد. مشارکت سیاسی به منزله یکی از مهمترین مولفه‌های مردم‌سالاری هم عرصه رقابت سیاسی است و هم وجود عرصه‌های متنوع مشارکت سیاسی می‌تواند رقابت‌های سیاسی را به جای درگیری‌ها و منازعات خشونت آمیز به عرصه‌ای برای پذیرش رای و نظر مردم به منزله داوران اصلی در عرصه رقابت سیاسی به شمار آید. نهادینه شدن این امر به توسعه سیاسی و ارتقای کارآمدی سیاسی نظام یاری می‌رساند.

تاریخ معاصر ایران مشحون از درگیری‌های رقابت آمیز برای دستیابی به قدرت سیاسی و حفظ آن است. مهمترین سند نوشته مشروطیت، قانون اساسی و متمم آن نویدبخش آغاز کوشش در راه به قاعده کردن رقابت سیاسی و

قرار دادن آن در خدمت ثبات سیاسی نظام بود، اما تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ گاه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی نقش مکمل یکدیگر را بازی نکردند.

نظام جمهوری اسلامی از همان ابتدای شکل‌گیری با مسئله رقابت گروه‌های سیاسی و در عرصه‌های مشارکت سیاسی به‌خصوص انتخابات درگیر بوده است. در دوران ده ساله ابتدایی (تا سال ۱۳۶۸) نظام جمهوری اسلامی، بیشتر درگیر آسیب‌های سخت بوده، که بدین منظور نظام جهت مشارکت سیاسی را به منزله راهکاری برای ایجاد ثبات سیاسی به کار برد. از این جهت اگرچه در سال‌های استقرار نظام سیاسی یعنی ۵۷ تا ۶۰ عرصه‌های مشارکت سیاسی با درجه رقابت بالا همراه بود اما به دلیل منازعه آمیز شدن این رقابت‌ها امنیت و ثبات سیاسی نظام دستخوش تهدید شد. با وقوع جنگ تحمیلی و لزوم ایجاد انسجام ملی و دور شدن از بحران در ساختار سیاسی از درجه رقابت‌های سیاسی و تکثرگرایی در انتخابات کاسته شد. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به تدریج شاهد شکل‌گیری زمینه‌های تعمیق شکاف‌های سیاسی و اجتماعی هستیم که شکل‌گیری فضای رقابتی در انتخابات دوم خرداد به مشارکت سیاسی گسترده در عین رقابت سیاسی نسبتاً مسالمت‌آمیز منجر شد. این امر انتخابات نخستین دوره شوراهای شهر و روستا را به یکی از رقابتی‌ترین ادوار انتخابات در کشور تبدیل کرد. اما در دوره دوم شوراها برعکس، نبود رقابت جدی و برداشت رای دهندگان از عملکرد شوراها زمینه را برای یکی از پایین‌ترین سطوح مشارکت در انتخابات فراهم کرد. انتخابات مجلس ششم نیز از درجه بالایی از رقابت سیاسی برخوردار بود. در سال ۱۳۸۴ نیز فضای رقابتی در انتخابات ریاست جمهوری و به‌خصوص دو قطبی شدن انتخابات در مرحله دوم به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد از جریان اصول‌گرا را موجب شد. اما انتخابات سال ۱۳۸۸ را باید پرچالش‌ترین انتخابات دوران جمهوری اسلامی و در عین حال رقابتی‌ترین و منازعه آمیزترین دوره از انتخابات تلقی کرد؛ جایی که عملاً رقابت سیاسی با عبور از مرزهای قانونی و اخلاقی نظام جامعه را بیشتر درگیر بی‌ثباتی کرد. درس‌ها و عبرت‌های این دوره از مشارکت سیاسی موجب شد عملاً فضای بهتری بر رقابت‌های دوره دهم ریاست جمهوری حاکم شود و البته مجدداً دو قطبی کم‌شدت شکل گیرد. واقعیت آن است که توجه به هویت دینی نه تنها به تقویت رقابت سیاسی سالم می‌انجامد که به ثبات سیاسی نیز کمک می‌کند. در واقع گرایش دینی به جامعه هویت و معنا می‌بخشید. هویت دینی و شبکه اجتماعی منتج از این شبکه در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، موجب پیروزی انقلاب شد و ظرفیت تداوم ثبات سیاسی در عین رقابت سیاسی را نیز دارد.

در تمام جوامع و نظام‌های موجود در جهان، در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خط قرمزهایی وجود دارد که بی‌توجهی به آنها باعث بی‌ثباتی، آشفتگی و نهایتاً منجر به هرج و مرج و بحران خواهد شد. از این رو به نظر می‌رسد، باید سازوکارهای تضمینی به گونه‌ای طراحی شود که سرپیچی و رعایت نکردن افراد و گروه‌های سیاسی از خطوط قرمز با هزینه‌های سنگین همراه باشد. توجه به اندیشه‌های رهبران جمهوری اسلامی درباره خطوط عمل رقابت سیاسی می‌تواند مبنای مناسبی باشد. به طور مثال امام خمینی از یک‌سو معتقد به اصل وحدت

همه‌جانبه و نفی اختلاف در بین گروه‌ها و احزاب بودند و از طرف دیگر مقتضای طبیعی سیاست را مدنظر داشتند که علی‌القاعده به بروز دیدگاه‌های رقیب می‌انجامد؛ در نتیجه قائل به اصل وحدت در مبانی و رقابت سالم در فروع بودند.

■ آزادی‌های سیاسی

آزادی یکی از ابعاد وجودی انسان و یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسان‌هاست. اسلام به‌عنوان یک دین جامع و کامل حاوی دستوراتی است که یارای پاسخگویی به نیازهای تمامی آحاد بشریت از جمله آزادی را داراست. اسلام آزادی فکر و اندیشه را که توأم با حسن نیت باشد محترم می‌داند و به صاحبان آن مجال اظهارنظر می‌دهد تا از طریق برخورد اندیشه‌ها و اعتقادات صحیح و سقیم، بیداری عقلی و اقناع درونی لازم که پایه‌های ایمان صحیح و استوار را می‌سازند، حاصل شود. "اسلام برای آزادی، هویت انسانی قائل است و انسان را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی می‌داند و همین استعدادهای و تمایلات را منشأ آزادی انسان می‌شمارد و آزادی را براساس آن چیزی می‌داند که تکامل انسانی را ایجاد می‌کند و آزادی در این دید یک حق انسانی است و ناشی از استعدادهای انسانی و رهایی این استعداد و تمایلات عالی از هر نوع مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است.^۱ ارزش‌های اساسی آزادی سیاسی در ج.ا.ا. به عنوان خطوط قرمز عام و فراگیر، بر دو محور اسلامیت و جمهوریت تکیه دارند؛ به تعبیر مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی مرکب انضمامی نیست بلکه یک هویت است که هر دو معیار از سوی خدا فرمان داده شده است. اما این دو محور در پیمایش محیطی، همواره در نوسان بوده است. چشم‌انداز آزادی سیاسی علاوه بر ارزش‌های اساسی، محصول اندیشه‌های سیاسی رهبران عالی نظام است. در بخش منابع، آزادی سیاسی به این معنا که فرد «بتواند» در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود، مشارکت سیاسی داشته باشد در سه شاخص مطبوعات، احزاب و انتخابات؛ تحقق آزادی‌ها در چهل سال گذشته قابل توجه است. از منظر منابع، احزاب، مطبوعات و انتخابات آزادند اما با شرایطی که در قانون مطرح شده است. رهبران عالی نظام، آزادی را از جمله حقوق طبیعی و حقوق اولیه بشر قلمداد می‌کنند که خداوند به او عطا نموده است. تأکید بر دو محور ارزشی اسلامیت و جمهوریت، تأکید بر قانون‌گرایی، تأکید بر وفاق ملی، ضرورت اجماع نخبگان، اقدامات فرهنگی و اقدامات مربوط به گسترش نقش احزاب می‌تواند در ارتقای منزلت آزادی در جمهوری اسلامی موثر باشد.^۲

^۱- محمدصادق احمدی، آزادی عقیده و بیان در نظام جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴

^۲- محمود علی‌پور گرجی، "چشم‌انداز آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران" رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۹

از حیث گفتمانی توجه به آزادی در طول چهل سال گذشته در میان دوگفتمان مطرح در جمهوری اسلامی بروز و ظهور متفاوتی داشته است. از دو گفتمان سیاسی لیبرال و فقهاتی، در نهایت این گفتمان سیاسی فقهاتی بود که توانست تفسیر خود از آزادی را بر کرسی اذهان عمومی جامعه ایران بنشاند و مورد قبول توده مردم واقع شود و پس از تقسیم به دو گفتمان سیاسی چپ و راست، این تفسیر به گونه ای متفاوت از هم رخ می نمود تا آن حد که هر یک با ارائه تفسیری منطقی و دینی از آزادی سعی در تصرف افکار جامعه به نفع خود داشته تا بتواند رقیب را از میدان بیرون کند. تعبیرات و تفاسیر متعدد از آزادی، در منازعات گفتمانی پس از انقلاب به نحوی بوده است که هر یک در صددند با مصادره مدرنیته و دین به نفع خود، بر قامت آزادی لباس مشروعیت و مقبولیت بپوشانند. گفتمان سیاسی لیبرال را می توان متأثر از اندیشه های مدرنیته دانست که سعی می کند دین را بر آن منطبق سازد. بر خلاف گفتمان های دیگر جمهوری اسلامی ایران که همگی در صدد انطباق مدرنیته با دین اند، گفتمان سیاسی چپ با برداشت حداقلی از دین، محدوده وسیع تری را برای آزادی در نظر می گیرد بر خلاف گفتمان سیاسی راست که آزادی را در محدوده ای کمتر به تصویر می کشاند.^۱

در عرصه عمل و مصادق آزادی در دوره چهل ساله جمهوری اسلامی به جز آزادی مشارکت سیاسی و انتخابات که رکن اساسی آزادی تعیین سرنوشت است و رقابتی بودن فضای مشارکت سیاسی نشانه وجود آزادی در صحنه سیاست است، به گواه آمار و اطلاعات موجود در عرصه تعداد نشریات و روزنامه هایی که هر یک سخنگو و صدای بخش خاصی از جامعه هستند در طول چهل سال گذشته گام های بلندی برداشته شده است. ورود رسانه های جدید و گسترش فضای مجازی نیز بر دامنه آزادی های بیان در فضای کشور به خصوص با توجه به جمعیت بالای جوانان افزوده است. همچنان که احمد رضا شاه علی^۲ نشان داده است میزان تحقق آزادی های سیاسی بر اساس شاخص هایی همچون آزادی احزاب که در شمار مجوزهای صادره برای فعالیت احزاب و گروه های سیاسی نمودار یافته و نیز آزادی بیان و مطبوعات و نیز نظارت نمایندگان مجلس بر نهادهای دیگر حکومتی که وی از آن به منزله شاخصه آزادی یاد کرده است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ رشد قابل توجهی یافته است. اگرچه در میان اهتمام به آزادی میان دولت ها تفاوت های معناداری وجود داشته و برخی دولت ها به عدالت یا امنیت و یا اسلامیت توجه بیشتری داشته اند اما در مجموع رشد شاخص های آزادی های سیاسی در دوره چهل ساله انقلاب اسلامی نسبت به قبل از آن غیر قابل انکار است.

^۱- سیدابوالفضل حسینی زاد، آزادی در گفتمان های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه باقر

العلوم ۱۳۹۰

^۲- احمد رضا شاه علی، آزادی سیاسی و جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قانون اساسی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۵، زمستان

۱۳۹۲

نتیجه‌گیری

دوازدهم فروردین ۱۳۹۸ جشن چهلمین سال جمهوری اسلامی است که امام راحل آن را بزرگترین ثمره انقلاب اسلامی نامیدند. مردم‌سالاری دینی به منزله الگوی حکومتی جمهوری اسلامی در طول چهل سال گذشته با وجود آنکه حرکتی خلاف جریان‌های مسلط جهان و در مسیر متفاوت با گفتمان غرب‌گرا و نیز گفتمان اسلام متحجر به پیروزی رسید، در طول چهل سال گذشته در عمل نیز توفیق قابل توجهی یافته است. این نوشتار در صدد بود شاخص‌های مردم‌سالاری دینی در مشارکت سیاسی به‌خصوص انتخابات، آزادی‌های سیاسی به‌خصوص در عرصه آزادی بیان و مطبوعات و رسانه‌ها و نیز آزادی حزب و تشکیل نهادهای سیاسی، باز بودن عرصه رقابت سیاسی و ظهور و نوسان گفتمان‌های سیاسی مختلف نشانه درصد بالای عینیت و تحقق مردم‌سالاری دینی است و این همه با حرکت در مسیر دین بر هویت مستقل این نظام تاکید و تشخیصی بیشتر می‌بخشد. واقعیت آن است که دهه هفتاد قرن بیستم از جهاتی دوره اوج‌گیری دین‌ستیزی در جهان بود و طلوع خورشید انقلاب اسلامی بازگشت به دین و معنویت را در عصری نوید داد که دین‌گریزی وضعیت یاس‌آوری بر دو اردوگاه وابسته به دو قدرت غرب و شرق تحمیل کرده بود. اسلام به منزله منبع اصلی الهام بخش انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی نیز بروز و جریان یافت اسلامی شدن اهداف و کارکردهای حکومت، اسلامی شدن قوانین و نهادهای حکومتی، شکل‌گیری نظامی با حضور روحانیت به منزله پاسداران دین که در نهادهایی چون ولایت فقیه، شورای نگهبان و دستگاه قضا این مسئولیت را ایفا کردند و بر پایه باورها و اعتقادات دینی مردم که خاستگاه و پایگاه اصلی هویت دینی و اسلامی نظام است در طول چهل سال گذشته مردم‌سالاری دینی را به منزلتی رسانده است که در چهلمین سال تولد جمهوری اسلامی بازخوانی این کارنامه از اسلامیت و جمهوریت نسل جدید انقلاب را به آگاهی و شناخت بهتری از مسیر پیش رو می‌رساند. البته به‌دلیل همین نقش و موفقیت‌هاست که طی سالیان اخیر فشارها و تحریم‌های اقتصادی سیاسی و تبلیغاتی دشمنان انقلاب و نظام مردم‌سالاری تشدید شده و وضعیت سختی را فراروی ملت ایران قرار داده است. بعد از فروپاشی شوروی اکنون ائتلاف شوم اردوگاه غرب با ارتجاع عربی و دسیسه‌های رژیم صهیونیستی است که درخت چهل ساله مردم‌سالاری دینی را آماج ضربات خود قرار داده است. اما بی‌گمان نظام اسلامی همچون چهل سال گذشته با پشتوانه مردم و مشارکت آنان است که می‌تواند از این گردنه سخت نیز عبور کند و گام دوم انقلاب اسلامی با تثبیت و اعتلا و تقویت بنیان‌های مردم‌سالاری دینی ابعادی فراگیر خواهد داشت.